



سرشناسه	:	نیکنام، کورش، ۱۳۳۳ -
عنوان قراردادی	:	اوستا، یستا، گامان، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	Avesta . Yasna . Gathas . Persian
مشخصات نشر	:	نغمه‌های ایران باستان / بهکوش کورش نیکنام، تهران: بهجت، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۲۶۹ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۳۳۸-۰۴۶-۲
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	اوستا، یستا، گامان
موضوع	:	Avesta
موضوع	:	شعر اوستایی -- برگردان شده به فارسی
موضوع	:	Avestan poetry -- Translations into Persian*
رده ی کنگره	:	PIR۴۷۳ ۱۳۹۷
بندی دیویی	:	۲۹۵/۸۲
شماره کتابخانه ملی	:	۴۴۶۶۹۲۸



انتشارات بهجت

نغمه‌های ایران باستان

برگردان فارسی، نگارش اوستایی و برخوان: بهکوش کورش نیکنام

پژوهش موسیقی، نوازنده ارگ و ناقوس: محمدرضا درویش

نوازنده تنبور: آرش شهریاری

خوشنویس فارسی: محمود رهبران

مدیر تولید: محمد شوق سرخوش

طراح گرافیک: استودیو حربی

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۸-۰۴۶-۲

ISBN 978-600-338-046-2



9 786003 380462

همه حقوق محفوظ است

فروشگاه انتشارات بهجت: تهران، خیابان ولی عصر، دوراهی دوراهی یوسف آباد، شماره ۱۹۷۸

تلفن: ۸۸۹۵۷۱۷۶، دورنگار ۸۸۹۶۷۱۷۶

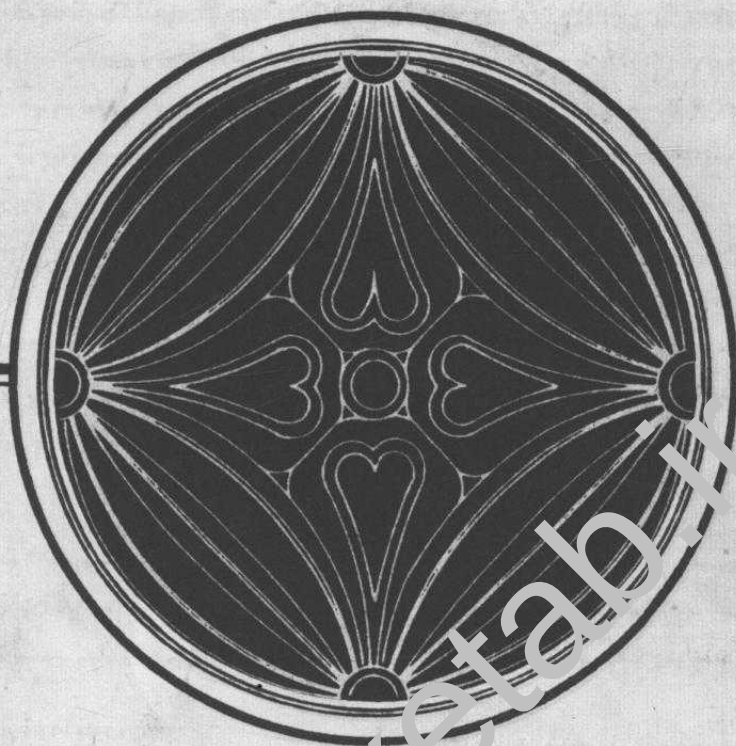
دفتر توزیع و فروش انتشارات بهجت: تهران، خیابان میرزای شیرازی، شماره ۱۶۲

تلفن: ۸۸۸۹۹۹۰۷، دورنگار ۸۸۹۴۱۱۴۶

www.behjatpublication.com

info@behjatpublication.com





۷۵۸ زخمه پنجم: سرود و هشتاد و پنج کات

۷۳۴ زخمه چهارم: سرود و هشتاد و پنج کات

۶۷۱ زخمه سوم: سرود و هشتاد و پنج کات

۱۲۱ زخمه دوم: سرود و هشتاد و پنج کات

۱۷ زخمه نخست: سرود و هشتاد و پنج کات

۱۱ مقام و موسیقی و هشتاد و پنج کات

۶ خاتمه و کات و هشتاد و پنج کات

۵ پیشگفتار





کهن‌ترین بخش اوستا، گات‌ها نام دارد که سرودهای زرتشت است. این بخش از اوستا پاره‌ای از نسک «یسنا» است. یسنا دارای هفتاد و دو بخش است که هر یک از بخش‌های آن را «هایی‌تی» گویند که درگوش پهلوی به ریخت (شکل) «هات» درآمده است.

سرودهای زرتشت هفده هات دارد که در پنج گروه جای گرفته است. نام هر یک از بخش‌های گاتای پنج گانه، از نخستین واژه‌ای که با آن آغاز می‌شود گرفته شده است به جز بخش نخست که به نام سرود «یتا آهو= آهونه ور»، آه‌نود گات نامیده شد، نام بخش‌های پس از آن: آشتود، سپنته مد، و هوشتر، و همیش‌توایش است.

به باور بسیاری از پژوهشگران سرودهای گات‌ها، نخستین گنجینه ساری جهان است که بیت‌ها و بندهای آن وزن جداگانه‌ای دارند و با آهنگ مینوی ویژه اوستا به سرایش می‌انجامد. هرچند در بخش‌هایی از اوستای جوان نیز سرودهایی شعرگونه وجود دارد ولی هیچکدام همان وزن شعری درگات‌ها نمی‌باشد. زیرا سرودهای گات‌ها هجاهایی هنجارگونه دارد که از نظر ساختاری به سرودهای ودایی شباهت بسیاری دارد. هر سرود آن دارای بندهایی است و هر بند، تعداد ویژه و ثابتی از هجا را در خود جای داده است. هر یک از بخش‌های پنج گانه گات‌ها نیز ساختار هجایی ویژه خود را دارند. بندهای آه‌نودگات (سه بیت شانزده هجایی)، آشته و دگات (پنج بیت یازده هجایی)، سپنته مد گات (چهار بیت یازده هجایی)، و هوشترگات (سه بیت چهارده هجایی) و همیش‌توایش گات (شش مصراع دوازده و هشت هجایی) را دارند. وزن شعری سرودهای گات‌ها از این دیدگاه نیز دارای ارزش است که بینش زرتشت و دفتر دینی پیروان مزدیسنا در گذر هزاران سال همچنان دست نخورده و سالم به یادگار مانده است. آهنگی که سروده شده همان است که موبدان و سرایندگان اوستا، سینه‌به‌سینه از نیاکان خود فراگرفته و به فرزندان خویش آموخته‌اند.



آنچه گات‌ها و سرودهای زرتشت را از دیگر بخش‌های ادبیات اوستایی، برتر و با ارزش‌تر می‌کند نه تنها دیرینگی آن، ساختار ویژه شعری، زبان گوناگون و آهنگ سرایش آن است بلکه بینش ویژه و نکته‌های فلسفی که در این سرودها آمده ارزش و جایگاه والاتر از بخش‌های دیگر اوستا را به آن افزوده است.

گات‌ها، نسک دینی پیروان بینش زرتشت است. آن را پیام «مانتره» به چَم (=معنی) سخن اندیشه‌برانگیز می‌دانند. این سروده‌ها بر پایه باور و پندارهای استوره‌ای بیان نشده‌اند بلکه زرتشت آنها را در پرتو خردمندی و بر پایه دانایی در زندگی بر زبان آورده است. حکمت و آموزه‌هایی در این سرودها آمده که برای نخستین بار آموزگاری ایرانی به نام زرتشت برای پیشبرد و گسترش آیین راستی در پرتو خردمندی سروده است. از آنجا که بسیاری از این گزینه‌های مینوی برای نخستین بار در سرودهای گات‌ها آمده است برخی از پژوهشگران آن را حکمت نخستین نیز نام داده و باور دارند که با فراپذیری اندیشه و بینش اوستایی خود را به فروزه‌های اهورایی نزدیک کرد. گزینه‌های فلسفی و فروزه‌هایی مانند ویژگی «اهورا»، «مزدا»، «شاه»، «وَنوم»، دو گوهر همزاد و ناهمگون، «سپنتامینو» و «انگره مینو» که سرچشمه نیکی و بدی می‌باشند، جایگاه «شویانیت» سود رسان‌ها در زندگی، «فرشوکر» یا تازگی جهان، شناخت فروزه‌های «امشاسپندان» یا هفت گام رازور، (=رفی) در بینش زرتشت و بسیاری از دیدگاه‌های فلسفی دیگر در نسک و نوشته گات‌ها آمده است.

در برگردان‌های گات‌ها که پیش از این به نگرارش آمده است برخی واژگان فلسفی که در سرودهای زرتشت آمده به ریختی یکسان بیان شده که بیشتر آنها برداشت را در اندیشمندان و پژوهشگران درباره پیام گات‌هاست. اما در نوشته پژوهشی که پیش رو خواهید داشت صرفه روزه و گزینه‌ای با نگرش به جایگاه اوستایی هر واژه برگردان شده است و به باور نگارنده با آنچه یک اندیشمند و آموزگار ممکن است در هزاران سال پیش از این در نگاهی ویژه به زندگی مرتوگان و ساختار هستی بنا نهاده باشد، هماهنگ و همسان برگردان شده و افزون بر آنها به بزرگنمایی در برخی از برداشت‌ها پرداخته نشود تا با متن‌های دینی ادیان دیگر هماهنگ شود.

زرتشت خداوند اندیشه و باور خویش را «اهورامزدا» نام برده است. این واژه را گاهی به تنهایی و در برخی از سرودهای گات‌ها به ریخت «اهورا» و «مزدا» جداگانه بیان کرده است. پیش از این «اهورا» به چَم هستی بخش آمده و «مزدا» را دانای بزرگ دانسته‌اند. باور فلسفی نگارنده این است که زرتشت در سرودها و پیام خویش، اهورامزدا را از هستی جدا ندانسته است. خداوند بینش زرتشت در آسمان‌ها جای ندارد که زمانی با اراده خویش پدیده‌های هستی را یک به یک آفریده باشد. خداوند بینش زرتشت، بخشنده هستی به دیگری نیست. او به هر هنگامی آفرینش را کامل نکرده است به ریختی که در آغاز آسمان و سپس زمین، آب، گیاه، جانور و در پایان مَرَتُو (=انسان) را به هستی پیشکش کرده باشد. چنانچه اهورای بینش زرتشت را



«هستی بخش» بدانیم، خداوند به گونه‌ای یک پدیده، نیرو و یا کسی خواهد بود که هستی را بخشش کرده است و بایستی پیش از هر گونه آفرینشی به ریخت آمده باشد و پس از آن ویژگی آفرینندگی را نیز به نمایش گذاشته است. اهورامزدا، درینشت زرتشت چنین خدایی نیست بلکه «اهورا» در پیام زرتشت، همان هستی است و با آن همراه و یکسان می‌باشد. بنابراین آنچه بوده، هست و به هستی خواهد آمد، همان اهوراست و جدا از آن نخواهد بود. به همین روی واژه برگردان شده نگارنده برای اهورا، «هستی مند» خواهد بود. پدیده‌ای که در بردارنده هستی است همانند واژگان «ارزش مند»، «دانش مند» و «اندیشمند» که ویژگی‌ها، ارزش، دانش و اندیشه را در خود پوشیده دارد. اهورا، هستی را با خود دارد و از آن جدا نیست و آن را بخشش کرده پس «هستی مند» و «هستی دار» خواهد بود.

واژه «مَزدا» پیش از این دانی بزرگ برگردان شده است. واژه «دانا» به چم فرد و کننده هرکاری است که ویژگی دانایی را نیز با خود به همراه دارد. «بزرگ» فروزه (=صفت) اوست که شکوه و بزرگی چنین کسی یا فردی را یادآوری خواهد کرد. به این ترتیب، مزدا نیز خداوندی به ریخت جسم و تن بزرگ و شگفت‌آوری پنداشته خواهد شد که به جایگاه و مکانی نیاز دارد تا در آن جاساز و پویا بماند تا پدیده‌های هستی را یک به یک تماشا کرده، بر آن فرمانروایی داشته باشد. بیگمان در سرودهای زرتشت «مَزدا» نیز چنین جایگاهی ندارد. به گفته فردوسی خداوند جان و خرد برتر از نام و جایگاه است.

نگارنده واژه «مَزدا» را در این دفتر و برگردان سرودهای زرتشت «دانایی و آگاهی بیکران» برگردان کرده است به این ترتیب دانش، دانایی و آگاهی از فروزه‌هایی خواهد بود که در سراسر هستی روان و جاری است. ویژگی بیکران بودن نیز نشان دهنده بزرگی و شگفت‌آوری یک پدیده، نام خداوند نیست بلکه بی‌پایانی و گسترده بودن فروزه «دانایی و آگاهی» را یادآوری خواهد کرد.

به همین سان «اشا» که پیش از این به راستی، درستی و پاکی برگردان شده بود در این نسک «هنجار راستی در هستی» نام گرفته است. «وَهْمَن» و «وَهْمَنگها» منش نیک است. «سپننه آرمه ای تی» که به چم اشغ (عشق) پاک برگردان شده، «اشغ آرمانی» جایگزین شده، اشغی که هدف‌دار باشد و آرمان آن هماهنگ شدن با ساختار و جایگاه نیک مَرْتَو در هنجار راستی باشد. «خشترا» نیز به شهریاری مینوی و پادشاهی برخویشتن برگردان شده است.

یادآوری می‌شود سرودهای گات‌ها و پیام زرتشت «مانتره» به چم سخنان اندیشه برانگیز و آموزنده است. این پیام، دانش فراگیری اخلاق و کردار نیک و ارزش‌های مرتوگانی (=انسانی) است و از روش درست زیستن و رستگار شدن سخن می‌گوید.

پیام گات‌ها برای پیشرفت کار جهان است. در چنین بینشی، هستی، تنبلی و بیکاری روا نیست. نوسازی و تازه گردانیدن جهان هستی، خویشکاری مَرْتَو است. گات‌ها، کسانی را که



با دانش و بینش خود در کار، جهان را به پیش می‌برند و تازه می‌گردانند، «سوشیانت» می‌داند. در پیام اشوزرتشت زن و مرد جایگاهی برابر و یکسان دارند. آموزگار راستی باور دارد که هر زن و مردی از فروزه منش نیک برخوردار است، پس باید از خرد رسا بهره‌مند شوند و به سوی دانایی گام بردارند. شخص دانا پیوسته راستی را بر می‌گزیند. هرگاه راستی در اندیشه، گفتار و کردار مَرْتَو جای گیرد. او در آن هنگام پیرو منش زرتشت درگات‌ها خواهد بود، با هنجار راستی درهستی (اشا) هماهنگ خواهد شد و با این ویژگی‌ها می‌تواند خود را پیرو اندیشه زرتشت بداند.

اشا، هنجار راستی، هستی، داد و قانون درست و پایدار در زمین، زمان و کهکشان است. بنابراین مرتوگان نیز بایستی هنجار راستی را در دل ببند و به آیین راستی در آیند تا شایستگی جایگاه مرتوگانی را داشته باشند. ویژگی پیروی از آیین راستی در پرتو اشا؛ انجام هر کاری، به هنگامی مناسب، در جایگاهی شایسته، با حساب و ابزار درست است.

گات‌ها به پیروان راستی، حساسی در اندیشه، گفتار و کردار خویش از راستی بهره می‌گیرند، «اَشَوَن» می‌گوید. در اینگونه بینشی، نه تنها ارادت به هسته پیروز است بلکه شکست دروغ نیز آرزو شده است و دروغ مصلحت‌آمیز نیز هیچگاه سفارش نشود. راستی است که از دروغ پیروی کند «درگونت» نامیده می‌شود. دروغ تنها به گفتار نیست بلکه شامل اندیشه و کردار ناسازگار نیز می‌شود. گات‌ها سفارش دارد که همگان شایستگی دارند تا در پرتو هنجار راستی به رستگاری برسند. آیین زرتشت در گات‌ها این است که روزگاری فرا رسد تا همه به سوی دانایی و راستی روی آورند. آیینی که در پیام گات‌ها بیان شده است، آیین مهر و دوستی، آیین شادمانی و بالندگی، آیین مبارزه با کژاندیشی و گسترش راستی است. آیین کار و کوشش برای رسیدن به خوشبختی به چمار (= یعنی) آسایش همراه با آرامش است.

گات‌ها، دفتر دینی زرتشتیان و پیام اشوزرتشت است.

برای نخستین بار سرودهای گات‌ها به خوشنویسی پارسی آراسته شده و با نگارش آرایش آن نیز به همراه است. بر این باورم که نگارش این دفتر با نگاه ژرف و پیشنهادی اندیشمندان در چاپ‌های آینده از این بهتر خواهد شد، بنابراین از نکته‌سنجی و راهنمایی خویش دریغ نورزید.

